

## مدیریت شکاف‌های قومی، مذهبی در سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

عبدالله عراقی<sup>۱</sup>، رضا جلالی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۰۱

### چکیده

تکثر قومی از جمله ویژگی‌های بارز اکثر کشورهای جهان و از جمله ایران به‌شمار می‌آید، که باعث تنوع قومی، مذهبی در کشورمان گردیده است. عوامل مختلفی همچون وجود ادیان و مذاهب مختلف، جهان‌گشایی، مسئله مهاجرت، تغییر قلمرو سیاسی و همچنین سیاست‌های کشورهای استعماری باعث ایجاد این تنوع در کشورها شده است. پژوهش حاضر در پی واکاوی دلایل بروز شکاف‌های قومی، مذهبی در منطقه سیستان و بلوچستان است. این مقاله با مدلی توصیفی-تحلیلی و به روش مطالعه کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه میدانی با نخبگان در پی پاسخ به این پرسش است که: مدیریت شکاف‌های قومی، مذهبی در استان سیستان و بلوچستان چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ در ایران با توجه به حاکمیت دینی و تمایز مذهبی با همسایگان، پیچیدگی مسایل قومی و مذهبی بیش از سایر دولت‌ها نمود پیدا کرده است. این مسئله اگر از سوی حکومت مرکزی به‌درستی مدیریت نگردد می‌تواند از جهاتی باعث واگرایی بین حکومت مرکزی و مناطق مرزی و حاشیه‌ای گردیده و تنش‌ها و منازعات قومی را به همراه داشته باشد. نتیجه اینکه نظام جمهوری اسلامی با الگوی مبتنی بر بومی سازی امنیت، بواسطه برقراری تعامل با بزرگان و سرداران طوایف و تقویت بنیادهای اقتصادی منطقه، توانست ضمن ایجاد امنیت نسبی، به ارتقاء امنیت پایدار منطقه بیفزاید، که در حوزه امنیت ملی گام قابل توجهی به شمار می‌رود.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت ملی، مدیریت شکاف‌های قومی مذهبی

۱- دانشجوی دوره دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی: tahqiq1360@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

## مقدمه

از عوامل مهم و تأثیر گذار در رشد و تعالی یک کشور می‌توان به دو عنصر قوم و مذهب اشاره کرد، که به نوبه خود هم می‌تواند به عنوان گذار مثبت «فرصت» و هم منفی «تهدید» به شمار آید. لذا وجود شکاف های قومی، مذهبی در هر کشور بعنوان تهدید بالقوه برای امنیت ملی به حساب می‌آید. و در عین حال کشورهایی که با چنین پدیده‌ای «تکثر قومی و مذهبی» مواجه هستند نسبت به این موضوعات توجه بیشتری دارند تا کشورهایی که عموماً به شکل یکدست بوده و با این گونه تکثرگرایی مواجه نیستند. برخی جوامع که پیشینه تاریخی طولانی ندارند همچون ایالات متحده آمریکا به شکل مصنوعی می‌کوشند تکثر قومی و نژادی را در جامعه خود گسترش دهند. اما برخی دولت‌ها همچون ایران که پیشینه تاریخی طولانی و تجربه بسیاری در زمینه تکثر قومی دارند و مسئله قومیت در آن‌ها نه به شکلی تصنعی بلکه به گونه‌ای طبیعی رایج بوده است، گهگاه با چالش‌هایی واگرایانه مواجه گردیده است. البته وجود مرزبندی‌های غیر طبیعی و در برخی مواقع جدا کردن بخش‌هایی از سرزمین مادری باعث شده است تا این اقوام در دوسوی مرز قرار گرفته و بحران‌ها و چالش‌های مضاعفی را به وجود بیاورد. در این راستا منطقه سیستان و بلوچستان از مناطق خاص و راهبردی به حساب می‌آید. قومیتی که در بین سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان تقسیم شده‌اند و دنباله آن‌ها در کشور همسایه نمود دارد. از آنجایی که ایران دارای حکومتی دینی و ایدئولوژیک است که مذهب رسمی آن با بخش قابل توجهی از اهالی سیستان و بلوچستان متمایز می‌باشد، لذا چالش‌های پیش روی ایران در حوزه حفظ تمامیت ارضی و امنیت پایدار، بیش از همسایگانش است. وجود شکاف قومی، مذهبی و زبانی در صورتی که با احساس محرومیت نسبی و تبعیض در مناطق حاشیه‌ای مواجه گردد می‌تواند به سمت رویکردهای افراط‌گرایانه متمایل گردد. دوری از مرکز، قدرتمند بودن گرایش‌های قومی و طایفه‌ای، ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی و عقب ماندگی توسعه در این منطقه در کنار بحران‌های دولت‌هایی که در عناد با نظام سیاسی هستند و کوشش می‌کنند شعله قومیت‌گرایی را در این منطقه زنده نمایند قادر است همگرایی را به واگرایی تبدیل کند. در این میان شناخت محیط، ویژگی‌های سرزمینی و مردم این منطقه و مدیریت این چالش‌ها و بحران‌ها می‌تواند در ایجاد همگرایی، توسعه سیاسی و اقتصادی و ایجاد امنیت پایدار ملی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. بر همین اساس در این مقاله می‌کوشیم شکاف‌های قومی، مذهبی را در این منطقه بررسی کرده و سپس الگوی مدیریتی مناسب را در راستای حفظ امنیت پایدار و تقویت همگرایی با مرکز، در استان سیستان و بلوچستان تجزیه و تحلیل نماییم.

هدف اصلی تحقیق: بررسی مدیریت راهبردی منازعات قومی در منطقه جنوب شرق ایران «استان سیستان و بلوچستان». و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

هدف فرعی: شناسایی عوامل موثر ساختاری و کارگزاری در مدیریت شکافهای قومی، مذهبی در استان سیستان و بلوچستان.

## مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

### سرمايه فكري

در زمینه شکاف های قومی، مذهبی آثار علمی مختلفی در حوزه های متنوع علوم انسانی به رشته تحریر درآمده است که هر یک از آن ها از منظر خاصی شکاف های قومی و مذهبی را تحلیل کرده اند. برخی نظریات جامعه شناسانه را مورد توجه قرار داده اند؛ برخی از منظر قدرت و حوزه علوم سیاسی به این مسئله پرداخته اند؛ برخی نقش فرهنگ سیاسی و عده ای با رویکردهای روانشناسانه به این کشمکش ها و شکاف ها نظر داشته اند. که در ذیل به برخی از این آثار و پژوهش ها می پردازم.

۱- کتاب "مدیریت منازعات قومی در ایران" نوشته دکتر سید رضا صالحی امیری است که در سال ۱۳۸۵ توسط مرکز تحقیقات استراتژیک منتشر شده است. نگارنده اثر با مفروض قرار دادن این اصل که حفظ، تداوم و ارتقای همبستگی و وحدت ملی به عنوان هدفی استراتژیک همواره مورد توجه زمامداران و حاکمان ایرانی بوده است، براهمیت و اولویت این اصل تاکید کرده و سپس منازعات قومی را به عنوان یک معضل تاریخی مورد تجزیه و تحلیل و واکاوی قرار می دهد. و چنین نتیجه گیری می کند: که پس از گذشت سالهای طولانی و اجرای برنامه های مختلف توسعه، اما همچنان وضعیت قومیت های کشور از حیث برخورداری های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطلوب به نظر نمی رسد. مساله ای که تقاضاهای قومی را از سطوح اقتصادی به فرهنگی و سپس سیاسی می کشاند.

۲- کتاب «قومیت و قوم گرایی در ایران؛ از افسانه تا واقعیت» اثر دکتر حمید احمدی که در سال ۱۳۷۸ به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این کتاب بر روی سه قوم بلوچ، کرد و آذری متمرکز بوده و پروسه ای را که منجر به پدیده قومیت و قوم گرایی در ایران شده را مورد واکاوی قرار داده است. نویسنده، تنها راه وحدت ملی را در مشروعیت سیاسی عنوان می کند. و چنین مشروعیتی را نشانه فراگیر بودن دولت می داند. و در نهایت نگارنده اثر به این نتیجه می رسد که وحدت ایران زمانی می تواند تقویت شود که به تمامی ساکنان درون مرزهای ایران به چشم شهروندان جامعه ایران که از حقوق برابر

برای مشارکت در جامعه و نهادهای وابسته به آن که از امتیازات اقتصادی عادلانه در جامعه برخوردار هستند نگریده شود.

۳- کتاب «قوم‌شناسی سیاسی» اثر رولان برتون انسان‌شناس فرانسوی که در سال ۱۳۸۴ توسط ناصر فکوهی ترجمه گردیده است. مقدمه ای برای ورود به بحث پیچیده اقوام در حوزه سیاسی است که با زبانی ساده و با بهره‌گیری از مثال‌های بی‌شمار تاریخی، جغرافیایی و سیاسی، عمده‌ترین مباحث میان حوزه سیاسی و حوزه قومی را روشن می‌کند. نویسنده کتاب در پی آن است که موضوعات و فرآیندهایی را که امر قومی و امر سیاسی را به یکدیگر پیوند می‌زند شناسایی کند. وی تقابل قوم/ ملت و تقابل ملیت/ شهروندی را بعنوان نموده‌های هویت قومی، به شکل عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار داده و دیدگاه‌های مختلف قومیت را از منظر ملی‌گرایی دولتی و ملی‌گرایی اقوام معترض و وطن‌گرایی را بررسی کرده است. در انتها نیز نگارنده نتیجه می‌گیرد که شکل بندی‌های جغرافیایی، قومی و سیاسی سه‌گونه بافت فضایی متداخل را در یکدیگر می‌سازند که نه تار و پود آنها و نه تاریخ آنها، احتمالاً بجز قالب‌های اسطوره‌ای، انطباق کاملی برهم ندارند.

۴- کتاب «تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها» از آثار منتشر شده در مؤسسه مطالعات ملی، که توسط مجتبی مقصودی در سال ۱۳۸۱ به رشته تحریر درآمده است. هدف کتاب، بررسی علل و زمینه‌های بروز تحولات قومی در ایران معاصر است. ایشان چند قومی بودن جامعه ایران را از خصایص بنیادین آن به‌شمار می‌آورد. محقق ضمن در نظر گرفتن، چستی عوامل و زمینه‌های بروز بحران قومی در ایران نتیجه می‌گیرد که: بین احساس محرومیت قومی و بروز بحران‌های قومی رابطه مستقیمی وجود دارد. و نخبگان قومی با انتقال ناکامی‌ها، سرخوردگی‌ها و آرزوهای فردی به توده‌ها نقش بسزایی در زمینه‌سازی چالش‌های قومی دارند.

### – مفهوم شناسی

**هویت ملی:** کلمه هویت به معنای «ماهیت، وجود و هستی» می‌باشد. (لغت نامه دهخدا). که از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی بر می‌آید. هویت ملی بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنتی که میراث مشترک یک ملت را به وجود می‌آورد. احساس تعلق به ملیتی خاص است که با تاریخ مشترک، سرزمین مشترک، ساختار سیاسی مشترک، ملیت واحد، زبان یکسان، دین مشترک، آداب و رسوم یکسان، وحدت فرهنگی، احساسات و آگاهی مشترک «هویت واحد در برابر غیر» معنا و مفهوم پیدا می‌کند (افروغ و حبیب‌لو، ۱۳۸۱).

همبستگی ملی: همبستگی در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است. همبستگی ملی عبارت است از احساس همدردی، هواداری قلبی مشترک، درک متقابل افراد و سکنه یک سرزمین که با ویژگی‌ها و خصلت‌های مشترک دور هم گرد آمده و تشکیل یک واحد سیاسی و عنصر جغرافیایی ملت را دادند (موسوی، ۱۳۸۹، ۱۲۴).

**قومیت:** گروهی از افراد که روشی مشترک را برای زندگی و رفتار با یکدیگر برمی‌گزینند. به عبارتی دیگر، قومیت افرادی را در برمی‌گیرد که خودشان و دیگران آن‌ها را به واسطه‌ی ریشه‌ی تاریخی مشترکی که دارند از جمله زبان، فرهنگ و عقاید مشترک یک قومیت واحد قلمداد می‌کنند. (حاجبانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

**شکاف اجتماعی:** شکاف‌های اجتماعی به واسطه‌ی تأثیری که بر زندگی سیاسی می‌گذارند به دو دسته‌ی کلی فعال و غیرفعال قابل تقسیم هستند. در تقسیم‌بندی دیگری، شکاف‌های اجتماعی به ساختاری و تاریخی تقسیم می‌شوند. شکاف‌های ساختاری پایدار و تغییرناپذیرند مانند شکاف‌های سنی و جنسیتی. شکاف‌های تاریخی تصادفی‌اند و حاصل سرنوشت تاریخی هستند مانند شکاف‌های قومی و مذهبی (داودی، ۱۳۸۱، ۲۲۶). همچنین می‌توان این شکاف‌ها را در صورت‌بندی دیگری به چهار دسته تقسیم کرد. شکاف‌های ساختاراجتماعی مانند شکاف طبقاتی، شکاف‌های صفتی مانند شکاف قومی، نژادی، جنسیتی و ...، شکاف‌های ایستاری مانند شکاف‌های ارزشی و ایدئولوژیکی و در نهایت شکاف‌های رفتاری. اصولاً شکاف‌هایی که ناشی از موضوعات ایدئولوژیکی، ارزشی و باوری و اعتقادی باشند باعث ایجاد طرد و غیریت با سایرین شده و چون لازمه بقا، حذف دیگری است لذا در نهایت با درجه‌ی احتمال بالا به منازعه‌ی خشونت‌آمیز منتهی می‌گردد (دلاوری، ۱۳۷۸).

**امنیت ملی:** مصونیت مطلق یا نسبی یک کشور از اقدامات ناامن‌کننده مانند تهاجم، مداخله و خراب‌کاری. عوامل متعددی در افزایش امنیت ملی یک کشور موثر هستند که برخی از آن‌ها شامل موقعیت ژئوپولیتیک، وضعیت سیاسی، اقتصادی، ویژگی کارگزاران سیاسی، تکنولوژی و... می‌باشند. (آقابخشی، ۱۳۸۳).

**نظریه محرومیت نسبی:** تد رابرت گر واضع این نظریه است. وی معتقد است که «محرومیت نسبی به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلاف میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود» (گر، ۱۹۶۷، ۲۵۲). «محرومیت به معنی نابرابری در رفاه مادی یا دستیابی سیاسی در مقایسه با دیگر گروه‌های اجتماعی است» (گر، ۱۳۷۸، ۲۱۶). بر اساس تئوری گر، محرومیت نسبی در سطح وسیعی از جامعه، ستیز خشونت‌آمیز در عرصه‌ی جامعه‌ی مدنی را به همراه خواهد داشت. این بدان

معناست که با افزایش محرومیت نسبی احتمالاً خشونت مدنی نیز شدت خواهد گرفت. برخی جامعه شناسان از جمله دیوید مایر برای علت یابی تعصب قومی که به محرومیت نسبی منجر می‌گردد را نام برده اند، از جمله: نابرابری اجتماعی، مذهب، هویت سازی و حمایت برخی نهادها. آنتونی اسمیت و هانس کوهن و پل براس «Paul brass» در نظریات خود به نقش نخبگان در جنبش‌های ملی پرداخته‌اند. براس عقیده دارد که نخبگان قومی با استفاده از میراث فرهنگی، هویت قومی متمایزی می‌سازند و همچنین برای پیروزی بر سایر نخبگان و کسب قدرت سیاسی بین گروه‌های قومی شکاف ایجاد می‌کنند. براس معتقد است نخبگان در رقابت با یکدیگر برای کنترل وفاداری‌ها یا سرزمین گروه قومی می‌کوشند همبستگی قومی را تقویت یا آن را ضعیف کنند. نخبگانی که به دنبال بسیج گروه قومی علیه رقبای خود یا علیه دولت متمرکز هستند، می‌کوشند همخوانی تعداد کثیر نمادهای گروه قومی را رواج بدهند. (احمدی، ۱۳۸۳)

**نظریه اقلیت گرای قومی - مذهبی:** اقلیت‌گرایی در دو حوزه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مورد بررسی می‌گیرد. و دارای شاخص‌هایی در حوزه هستی‌شناسی، شامل هویت مستقل گروه اقلیت، آگاهی جمعی و نگاه منفی به اکثریت است و در حوزه معرفت‌شناسی شاخص تبعیض، هویت ستیزی اکثریت نسبت به اقلیت، سازمان‌گرایی سیاسی اقلیت و در نهایت نقش بیگانگان می‌باشد. این شاخص‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل اقلیت دینی به اقلیت گرای دینی برعهده دارند. همچنین اقلیت‌گرایی به دو بخش خوش‌خیم و بدخیم قابل تقسیم است. از منظر معرفت‌شناسی پنج لایه اصلی در اطراف اقلیت‌گرایی دینی قرار می‌گیرد. ۱- وجود تبعیض «توزیعی، روان‌شناختی، سازمانی» ۲- سازمان‌گرایی ۳- هویت ستیزی ۴- تعداد ۵- مداخله نیروی خارجی. (افتخاری، اصغر، ۱۳۸۳).

لازم به توضیح است که اقلیت قومی و مذهبی فی‌نفسه برای یک ساختار متحد مرکزی بحران‌زا نیست و نگرانی‌ای به همراه ندارد. اما اگر اقلیت دینی به اقلیت‌گرایی دینی تبدیل شود و سپس شکل سیاسی به خود بگیرد این قابلیت را خواهد داشت که واحد مرحله‌ی جدیدی از تعارض شده و به منازعه تبدیل گردد و در چنین شرایطی است که اقلیت‌گرایی دینی و قومی می‌تواند بسته به نوع، درجه و شدت و ضعف آن، برای ساختار مرکزی بحران‌هایی را به همراه داشته باشد.

**شکل‌گیری شکاف قومی - مذهبی:** اصولاً در جوامعی که کثرت‌گرایی قومی و مذهبی وجود دارد گروه اقلیت در برابر اکثریت قرار می‌گیرد. در این مرحله نگاه اقلیت‌نگاهی اجتماعی است و تبعاً نگاه از پایین به بالا وجود دارد و گروه اقلیت در تلاش است که بر مبنای قانون و حقوق، از تمایت خواهی گروه اکثریت ممانعت کند. ورود مبحث مذهب و قومیت به قدرت سیاسی، اقلیت قومی و مذهبی را وارد فاز

جدیدی می‌کند. در این مرحله هریک از طرفین کوشش می‌کنند تا دسترسی خود به ساختار قدرت را افزایش داده، الگوی ساختار قدرت را تغییر داده و یا دست کم آن را به نفع خود اصلاح نمایند. در این مرحله نوع نگرش از حالت اجتماعی به سیاسی تبدیل شده و متناسب با آن، نوع نگرش نیز از بالا به پایین خواهد بود. در این مرحله گروه اکثریت کوشش می‌کند اقدامات و فعالیت‌های گروه قومی و مذهبی اقلیت را تا سر حد ممکن کنترل و مدیریت کند. «برهمن اساس است که اقلیت‌گرایی مذهبی حرکت سیاسی‌ای است که از درون حوزه‌ی مذهبی متفاوت با ایدئولوژی مرجع در یک جامعه‌ی معین، با هدف نقد ساختار قدرت موجود و به منظور افزایش میزان دسترسی پیروان آن مذهب به مناصب قدرت و یا اصلاح الگوی ملی اعمال قدرت، پدیدار می‌شود» (حسینی، ۱۳۹۵، ۶۹).

### زمینه‌های بروز اقلیت‌گرایی مذهبی



### روش‌شناسی

در این مقاله برای پیشبرد بهتر پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. نظر به اهمیت مدیریت صحیح منازعات قومی که تأثیر مهمی بر تقویت انسجام ملی دارد. و با توجه به وضعیت تنوع قومی مذهبی کشور عزیزمان ایران و اینکه از این مبحث به عنوان یک فرصت راهبردی برای کشورمان استفاده شود، بایستی بدانیم عمده‌ترین ناامنی‌ها، بحران‌ها، منازعات و جنگ‌ها در دهه‌های گذشته در ارتباط با شکاف‌های قومی، مذهبی بوده است. جدایی طلبی، نسل‌کشی، هرج و مرج و ... طی سال‌های گذشته دامان بسیاری از دولت‌ها را گرفته است و نتیجه آن چندپاره شدن بسیاری از کشورها، تجزیه طلبی و آوارگی بسیاری از مردمان در سطح جهان بوده است. ایران نیز از این منازعات قومی به دور نبوده است و منطقه سیستان و بلوچستان با وجود شکاف‌های قومی و مذهبی ظرفیت بالقوه‌ای دارد تا این



منازعات قومی در آن منطقه، به شکل سیاسی و امنیتی تبدیل شود و امنیت ملی را با خطر مواجه سازد. لذا با بررسی اسناد و مدارک کتبی موجود در این زمینه که در قالب کتاب، مقاله، رساله، پایان نامه و مصاحبه با مسئولان و افراد خبره بوده است، نسبت به جمع آوری، دسته بندی و فیش برداری آنها نموده ام. و به روش توصیفی- تحلیلی به تجزیه و تحلیل صحیح داده ها پرداخته ام، تا به این طریق راهکارهای صحیح و مناسب مدیریت شکاف های قومی، مذهبی در منطقه سیستان و بلوچستان که تأثیر مستقیم و بلامنزاع در امنیت ملی جمهوری اسلامی دارد را احصاء کرده و به جامعه علمی و اجرایی کشور ارائه بنمایم، تا بهترین روش ها و راهکارها در این جهت اجرایی گردد. **ولذا** مدیریت شکاف های قومی، مذهبی در استان سیستان و بلوچستان را که در پایداری امنیت جمهوری اسلامی ایران نقش قابل توجهی داشته است را به عنوان فرضیه اصلی لحاظ نموده ام. و همچنین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان متغیر مستقل دانسته ام.

### تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

#### - بررسی تاریخچه شکافهای قومی، مذهبی در ایران

در این مورد با مطالعه اسناد و مدارک تاریخی و کتابخانه ای سعی شده است تا به طور دقیق روشن شود که شکافهای قومی، مذهبی از کجا آغاز گردیده و چه مسیری را طی نموده و به انقلاب اسلامی منتقل شده است.

قومیت گرایی در ایران از اواسط قرن بیستم، تحت تأثیر عوامل متعددی «اعم از داخلی و خارجی» شکل گرفت و خود را در پوشش ناسیونالیسم قومی مطرح نمود. بروز قومیت گرایی در ایران و به تبع آن، سیاست دولت برای مواجهه با آن تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را می توان به دو دوره قبل از به قدرت رسیدن رضاشاه و دوران پهلوی تا انقلاب اسلامی تقسیم کرد. همچنین برخی تحركات قومی در اوایل انقلاب اسلامی نیز در ایران به وقوع پیوست که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

**الف) دوره پیش از رضاشاه:** در دوره قبل از روی کار آمدن رضاشاه، به علت غلبه جمعیت و ساختار زندگی روستایی در کشور و نبود مرکزیت قومی در ایران نوعی نظام ایالتی حاکم بود. تقسیمات قومی و نژادی و مجموعه های ایالتی تأثیر فراوانی بر اوضاع سیاسی کشور داشتند. این امر به اندازه ای قدرتمند بود که حتی در روی کار آمدن دولت ها و سقوط آنها نیز قوم و قبیله های ایرانی نقش عمده ای داشتند و اقوامی مانند قاجار و زند بعد از کسب قدرت، آن را در قبیله خود حفظ می کردند. در تمام این دوره، میراث بر جای مانده از دوره صفویان؛ یعنی همگونی مذهبی «تشیع» عامل خنثی کننده قوم محوری بود و تنها عامل پیوند

دهنده اقوام، اسلام بود. شاهد تاریخی این مدعا، تأثیر علمای اسلام در حرکتهای غیر قومی و یکپارچه مردم در شرایط نامساعد مانند جنگهای ایران و روس، تحریم تنباکو و تحولات عمده سیاسی مثل انقلاب مشروطه است. از آنجا که این عامل وحدت بخش، تحت لوای علما، باعث ناکام ماندن استعمارگران در دست یابی به منافع خودشان بود، قدرتهای استعماری از جمله روسیه و انگلستان سعی فراوانی در کمزنگ کردن این عامل وحدت بخش نمودند و در پایان این دوره در ایران، شاهد بروز انواع جنگ و ستیزها و ادعاهای قومیت‌گرایانه هستیم. فرقه دموکرات آذربایجان از سوی روسیه ایجاد و پشتیبانی شد، شیخ خزعل در خوزستان با حمایت انگلستان طغیان کرد، در کردستان هم وضع به همین منوال بود و حرکت‌های قوم‌گرایانه تحت تأثیر قدرتهای خارجی قرار داشت.

**ب) دوره پهلوی تا انقلاب اسلامی:** با به قدرت رسیدن رضاشاه، بافت سنتی دولت ایران دچار دگرگونی شد و با گسترش اقتدار نظامی و اداری آن، زمینه ظهور دولت مدرن فراهم گردید. دولت مدرن ایران، نه تنها با برچیدن اقتدار رؤسای پر قدرت ایلات و طوایف ایران و خلع سلاح و به انقیاد کشیدن آنها مانع مشارکت این گروه از نخبگان سنتی و پر نفوذ جامعه شد، بلکه به تدریج با انحصار تجارت خارجی، مصادره زمین‌های مالکین بزرگ و ایلات و سرانجام رویارویی با روحانیون و خارج ساختن آنها از حوزه‌های اقتدار سیاسی و قضایی به مشارکت این ائتلاف سنتی جامعه ایرانی در حیات سیاسی و اجتماعی پایان بخشید.

یکی از مهمترین اقدامات رضاشاه در تشکیل دولت نوین، برقراری و به کارگیری ارتش نوینی بود که با استفاده از تجهیزات نظامی، اقدام به سرکوب قدرت‌های قومی و قبیله‌ای و محلی نمود و حکومتی متمرکز و مسلط بر تمام نقاط ایران را تشکیل داد.

**ج) شکاف‌های قومی در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی ایران:** اما در دوره انقلاب اسلامی آنهم اوایل پیروزی آن، شکاف‌های قومی در مناطقی همچون خوزستان «غائله خوزستان»؛ گلستان «غائله گنبد»؛ کردستان «غائله کردستان»؛ و سیستان و بلوچستان «غائله بلوچستان» به وقوع پیوست. با بررسی صورت گرفته مهمترین دلیل بروز این قائله‌ها این بود که دشمنان انقلاب آنان که دستشان از منابع غنی و سرشار ایران کوتاه شده بود، با هدف به شکست کشاندن انقلاب نوپای ایران با تحریک نخبگان و مؤثرترین این اقوام و با القای شعار احقاق حقوق اقوام قصد اعلام خودمختاری و چندتکه کردن ایران را داشتند. که به فضل الهی ناکام ماندند.

**د) ظهور شکاف‌های قومی در منطقه بلوچستان ایران:** بلوچهای ایرانی در فعالیت‌های سیاسی شرکت فعال نداشتند. بلوچستان ایران از نظر سیاسی آرام و فاقد تشکل‌های سیاسی بود. بلوچها ناظر و

پیگیر حوادث سیاسی در تهران بودند. اما نقش فعالی در سقوط شاه نداشتند. اصلی ترین عامل طرح و تشویق اندیشه خودمختاری بلوچ ها در نیمه دوم قرن بیستم در ایران، منطقه ای بود تا فرا منطقه ای. گروه های جدید سیاسی و چپ گرایی که بعد از سال ۱۳۵۷ ه ش تشکیل شدند، محافل کوچکی از نخبگان بودند که به دلیل گرایشهای ضد مذهبی یا ارتباط با بیگانگان از حمایت مردم برخوردار نشدند. و نهایتاً رضا خان، با لشکر کشی به منطقه سیستان و بلوچستان و خلع سلاح ایلات و شکست دادن امیر دوست محمدخان بارکوزهی عملاً بر آن منطقه مسلط گردید.

طی دوران پهلوی قدرت اقوام کاهش یافت، استقلال آنان از دست رفت و محدود شدند اما ساختار ایلی- قومی و طایفه گری آنان باقی ماند و روئسای قبایل و طوایف همچنان قدرت اقتصادی- اجتماعی خود را حفظ کرده و نفوذ آنان در تمام عرصه ها در بین طوایف برقرار باقی ماند. نهایتاً آنان واسط بین مردم، طوایف خود و حکومت مرکزی شدند و ساختار نظام سیاسی با شناسایی آن ها و حمایت از آنان جایگاه سرداری شان را به رسمیت شناخت و آنان عملاً نظم و امنیت را در مناطق تحت نفوذ خود برقرار ساختند. طی این دوران حکومت پهلوی با سیاست سکولاریسم و تساهل مذهبی و میانجیگری بین مذاهب از تضاد و درگیری با اقوام بلوچ جلوگیری کرد. اما برخی اقدامات از جمله خلع سلاح طوایف باعث نارضایتی هایی بود چرا که آن ها همواره در طول تاریخ مسلح بودند و این خلع سلاح برای آنان امری دشوار به نظر می رسید. شکافهای اجتماعی در این منطقه، نوعی از شکافهای مترامی هستند که قدرت تاثیر گذاری آنها بسیار بالاست. در این منطقه یک شکاف فعال سیاسی اجتماعی با سه متغیر قومیت، مذهب و زبان وجود دارد که بر روی هم بار شده و جامعه را به دو گروه بلوچ سنی و سیستانی شیعیه تبدیل کرده است. این شکاف در حال حاضر در این منطقه فعال شده و نوعی بدبینی بین دو طرف ایجاد کرده است. نقش افراطی های دو طرف در پررنگ شدن این مساله بسیار زیاد است. اقدامات توهین به مقدسات متقابل خصوصاً افراطیون شیعه در برگزاری مراسماتی مثل «عمرکشان» و پخش فیلم های آن از یک سو و فعالیت مولوی های افراطی اهل سنت منطقه با مدیریت هوشمند کشورهای خارجی مثل عربستان، امارات و ... که با تدریس و نشر اندیشه ضد شیعی در مدارس دینی خود به این شکافهای قومی - مذهبی دامن می زنند، نقش مهمی در ایجاد و تداوم این شکاف دارند. این موضوع نشان دهنده این است که بلوچستان در سه حوزه اصلی (مذهب، قومیت و زبان) با مرکز دارای تفاوت ها و تمایزاتی است که این تفاوت ها و تمایزات می توانند مبنا و پایه ای برای شکافهای سیاسی و اجتماعی در این منطقه قرار گرفته و به محوریتی برای کنش های قومی و سیاسی تبدیل شوند. فعال شدن این شکاف های عمدتاً آرام و ساکت، می تواند به شدت محیط امنیت جمهوری اسلامی ایران را متغیر و متحول کند. نکته

مهم دیگر این است که در هر سه متغیر با آن سوی مرز در کشور پاکستان از نوعی همگرایی و همراهی برخوردار می‌باشد. اگر بخواهیم از دیگر عوامل مهم در بروز شکاف قومی، مذهبی در استان سیستان و بلوچستان نام ببریم می‌توان به وجود بحران هویت، بحران مشارکت، بحران توزیع، و بحران مشروعیت در استان سیستان و بلوچستان نام برد.

اما وجود مرزهای طولانی با اشتراکات قومی - مذهبی، اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی در مناطق مرزی دو کشور، کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیان‌های اقتصادی در مناطق مرزی جنوب شرقی ایران، حضور اقلیت‌ها در مجاورت مرز و اشتراکات قومی و مذهبی مرزنشینان دو سوی مرز، فقدان مدیریت متمرکز در اداره مرز، فقدان پاسگاه‌های مناسب مرز «کم و کیف نیروهای انسانی - فواصل پاسگاهی - امکانات لجستیکی»، کثرت روستاهای مرزی، عدم پوشش کامل سیمای جمهوری اسلامی ایران در نواحی مرزی، پوشش سیمای بیگانه در این نواحی مرزی، فقدان جاده‌های مناسب مرزی، عدم حساسیت غالب ساکنین مرزی نسبت به تحولات غیر مجاز اتباع بیگانه به خاطر نداشتن تعصب ملی، عدم برخورد قاطع با متخلفین مرزی، عدم رعایت کامل قضایی از ماموران مرزی، رفت و آمدهای غیر مجاز افراد سیاسی و غیر سیاسی اتباع خودی، تردد افراد تروریست و شرور در منطقه، ارتباطات مولوی‌ها با آنسوی مرزها، خروج غیر قانونی کالا، سوخت و ارزان عمومی، قاچاق مواد مخدر و کالا به کشور، اجرای سیاست دولت‌های استکباری توسط دولت‌های همسایه، فعالیت‌های تشکیلات سیاسی و نظامی ضد انقلاب در جوار مرزها، افزایش سواد، آموزش و آگاهی مردم نسبت به تنظیم خانواده، بازگشت برخی از افغان‌ها و خروج آن‌ها از استان، درگیری‌های قومی مذهبی آن سوی مرز و تاثیرات آن در داخل کشور، رشد بالای جمعیت، بخصوص جمعیت اهل سنت در مناطق مرزی که موجب تغییر موازنه جمعیتی استان شده است، تأثیر زیادی بر همگرایی و واگرایی در این منطقه گذاشته است.

**سلسه مراتب گروه‌های مرجع منطقه سیستان و بلوچستان:** حوزه سیستان و بلوچستان، حوزه‌ای کاملاً ملوک الطوائفی است. مردم دنبال یک مرجع هستند که امورات آن‌ها را رتق و فتق کند. همانطوری که قبلاً اشاره شد تا قبل از انقلاب، خان‌ها یا سردارها این کارویژه را بر عهده داشتند. با شکل‌گیری انقلاب مذهبی ایران وضعیتی پیش آمد که می‌توان آن را به صورت خلاصه مطرح کرد؛ سردارها که با مردم رابطه خونی داشتند، توسط مدیران محلی انقلاب طرد شدند «زندانی شده یا فراری شدند، کاری که نمی‌بایست بدون تدبیر و حکمت صورت گیرد». بعضاً سردارهای طرد شده سرده‌های باندهای اشرار شده که بر علیه نظام دست به شرارت می‌زدند. هر چند بعداً مدیران منطقه و انقلاب خواستند با آن‌ها مصالحه کنند، اما موفق نشدند. انقلاب اسلامی بخاطر اسلامی بودن و رویکرد ضدیت با ظلم و فساد در منطقه، باعث

منزوی شدن و یا فرار خوانین و سرداران حاکم در منطقه شد، لذا خلاءای در منطقه ایجاد شد و مردم برای پر کردن این خلاء به سمت مولوی‌های اهل سنت روی آوردند. غفلت استراتژیک ج.ا.ایران و هوشیاری دشمنان در کشورهای عربی بخصوص عربستان موجبات تقویت جریانات مذهبی سکولار و افراطی را در این منطقه در پی داشت.

مولوی‌های مذهبی با کمک دلارهای عربستان و منابع مالی که سالانه به صورت خمس از ترانزیت مواد مخدر و دیگر کالاها قاجاق بدست می‌آورند، توانستند خود را تنها نماینده جامعه بلوچ به مردم معرفی کرده و با القاء محرومیت نسبی «قومی و مذهبی» در جامعه بلوچ و تحت ظلم و ستم بودن آن‌ها از ناحیه نظام و حکومت شیعی، مقدمات سیاسی شدن قومیت و مذهب را بوجود آورده و با فعال کردن این شکاف خود را در راس آن به عنوان نماینده اهل سنت بلوچ قرار داده و مطالبه گری خود را از نظام شروع کردند. آن‌ها با شکاف سیاسی اجتماعی که در راستای منافع خود سازمان داده بودند، توانستند سران طوایف و حتی روشنفکران و یا تحصیل کرده‌های بلوچ را به زیر اقتدار سیاسی و اجتماعی خود بکشانند. بعد از اینکه نظام متوجه شد که باید جلوی اقتدار بی‌حد و حصر مولوی‌ها را بگیرد، با امان نامه دادن و عفو و بخشش سرداران فراری و سردارسازی جدید و توسعه آموزشی و فرهنگی در منطقه تلاش کرد تا حدودی قدرت مولوی‌ها را کنترل کند. بخصوص طرح تسلیح عشایر و وابسته کردن سران عشایر و گروه‌های مختلفی از نخبگان و مردم به نظام و عادی کردن روابط میان مردم با نهادهای حاکمیت می‌رفت که ساختار قدرت و بازیگری بین نیروهای مرجع سه گانه نخبه جامعه بلوچ به صورت زیر متعادل گردد.

### جریان‌های اصلی سیاسی تأثیر گذار در همگرایی و واگرایی در استان سیستان و بلوچستان:

- ۱- جبهه آزادی بخش بلوچستان که در سال ۱۳۴۳ توسط جمعه خان که اصالتی ایرانی- پاکستانی داشت تشکیل شد که با وقوع جنگ و اتمام آن اثری از این جبهه باقی نماند.
- ۲- حزب دموکرات بلوچستان که در دهه ۴۰ در بغداد تشکیل شد و شاخه بلوچ آن با نام جبهه ملی خلق ایران از اعضای حزب توده به وجود آمد. پس از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر عراق از حمایت از بلوچ‌ها دست برداشت و این گروه عملاً کارکرد خود را از دست داد و مضمحل گردید.
- ۳- حزب اتحادالمسلمین به رهبری مولوی عبدالعزیز ملازاده مؤسس این گروه است که نسبت به سایر گروه‌ها از حمایت مردمی بیشتری بهره مند است. در فروردین ۱۳۵۸ مولوی عبدالعزیز خواست تا پیروانش به جمهوری اسلامی رأی دهند. اما در آذر ۵۸ و در پی رسمیت بخشیدن به تشیع به عنوان مذهب رسمی، انتخابات را تحریم کرد. نهایتاً مولوی عبدالعزیز در اواخر سال ۵۸ از این گروه سیاسی فاصله گرفت.

۴- سپاه محمدرسول الله در سال ۱۳۷۴ توسط ملایخس درخشان در پاکستان اعلام موجودیت کرد و عملیات مرزی علیه ایران را آغاز نمود. و اقدامات متعددی در راستای ترور در منطقه به انجام رساند و تعدادی از مردم شیعه و سنی را به قتل رساند. نهایتاً در استان هرمزگان و در حین قاچاق مواد مخدر توسط نیروی انتظامی کشته شد.

۵- حزب الفرقان در سال ۱۳۷۵ توسط مولوی جلیل قنبرزهی تأسیس شد و اقدامات مسلحانه را آغاز نمود. از دیگر اقدامات این گروه می‌توان به بمب گذاری ها، سرقت ها و گروگان گیری ها اشاره کرد. در نهایت در حمله نیروهای ائتلاف، در حالی که به طالبان پیوسته بود توسط ناتو کشته شد.

۶- جریان سیاسی مسجد مکی این جریان توسط داماد مولوی عبدالعزیز آغاز شد و فعالیتش را با محوریت حوزه علمیه مسجد مکی سازماندهی کرد. این جریان در بین مردم منطقه تا حدودی محبوبیت دارد و فعالیتش را نیز علاوه برزاهدان در سراوان، چابهار و خاش هم نشر داده است. حتی این فعالیت ها به خارج مرز های ایران نیز رسیده و تعدادی طلاب دینی از کشورهای همسایه جذب کرده است.

۷- گروه جندالله «جندالشیطان» این گروه که از ابتدا تشکیل با فاز نظامی در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایستاد، در سال ۱۳۸۲ توسط عبدالمالک ریگی پایه گذاری شد. این گروه متعصب از گروه فرقان منشعب شده و اقدامات متعددی علیه جمهوری اسلامی داشته است که به نظر می‌رسد توسط برخی کشورهای معاند با نظام سیاسی موجود حمایت شده است. این گروه در رادیکالیسم منطقه و اقدامات خشونت آمیز علیه حکومت مرکزی یکی از تأثیرگذارترین ها بوده است. این گروه در سال ۱۳۸۹ در ادامه اقدامات خشونت آمیز و تروریستی خود سردار نورعلی شوشتری فرمانده قرارگاه امنیتی قدس سپاه در استان سیستان و بلوچستان را نیز به شهادت رساند.

**سایر عوامل تأثیر گذار در همگرایی و واگرایی:** - اختلافات بین قومی بلوچ - سیستانی که از نگرش های افراطی سرچشمه گرفته است. - قاچاق مواد مخدر که خود موجب عدم ایجاد امنیت پایدار در مناطق مرزی استان شده است. - تعداد مساجد اهل سنت از ۲۶۲ عدد اوایل انقلاب به ۶۸۰۰ عدد رسیده است. - تعداد مولوی ها از ۲۰۰۰ نفر اول انقلاب به ۱۷۰۰۰ نفر رسیده است. به آمار رشد فزاینده مدارس دینی اهل سنت را هم اضافه نمایید. - ترویج و حمایت از افکار و عقاید سلفیت و هابیت با دلارهای کشور مرتجع عربی خصوصاً عربستان که موجب ایجاد یک هویت معرض دگر پنداری در مقابل هویت ملی شده است.

این نکته را باید عرض کنم که یک نظام سیاسی وقتی می‌تواند به نحو مناسب به مدیریت امنیت ملی خود بپردازد که ضمن شناسایی توانایی خود از آسیب‌ها و نقاط ضعف و تهدیدات خود نیز آگاه باشد. به

تحقیق از جمله مهمترین تهدیدات نظام سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران تهدیدات در "سطح هویتی" است. ضمن اینکه شناخت ایده سلفیت و اقدامات سلفی گراها در ایران اسلامی کمک شایانی در مدیریت امنیت ملی و جلوگیری نزاع‌های قومی می‌نماید.

- وضعیت اقتصادی منطقه «کشاورزی، دامپروری، صنایع و معادن، و...» که با توجه به وضعیت اقلیمی و عدم توجه حکومت مرکزی به توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد اشتغال و درآمد پایدار برای ساکنان در منطقه موجبات ایجاد واگرایی مضاعف در این نقطه گردیده است.

با توضیحات ارائه شده این سوال مهم مطرح می‌شود که چه عواملی در حفظ امنیت و استمرار حیات نظام جمهوری اسلامی ایران اثر گذار است؟ در پاسخ به این سوال می‌توان موارد زیادی را بر شمرد از آن جمله:

۱- قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

۲- نمایش قدرت سخت جمهوری اسلامی در طول دوران هشت سال دفاع مقدس

۳- وجود نیروی نظامی قوی، متدین و با انگیزه و همچنین دستگاه‌های امنیتی با اقتدار

۴- راهبرد امنیتی واقعه‌گرا و عملگرایی نظام جمهوری اسلامی ایران

۵- مدیریت صحیح قومیت‌های مختلف درون نظام در راستای هم‌افزایی و همگرایی داخلی کشور  
با توجه به سابقه تهدیدات نظام مقدس جمهوری اسلامی در طول این ۴۰ سال اخیر بیشترین تهدید شکاف قومی، مذهبی بوده است. حال سوال مهم این است که این مدیریت شکاف‌های قومی، مذهبی چگونه بایستی انجام شود؟ تا هم این شکاف‌ها به یک فرصت برای نظام تبدیل شود، و هم امنیت ملی تهدید نشود.

**نکته اول:** یک پدیده اجتماعی برای آنکه به یک مسئله‌ی اجتماعی تبدیل شود و در نهایت یک بحران سیاسی و سپس امنیتی گردد بایستی مراحل مختلفی را پشت سر بگذارد تا از حالت قوه به فعل درآید. در طی این مسیر اگر ساختار حاکم بتواند بحرانی و خاص شدن یک پدیده اجتماعی را مدیریت کند می‌تواند تا ایجاد بحران‌های بعدی اتحاد و انسجام ساختاری خود را حفظ کرده و سیستم به شکل عادی ادامه‌ی حیات دهد. اما اگر سیستم نتواند بحران را مدیریت کند و برون‌داده‌های سیستم با درون‌داده‌ها تعادل و توازن نداشته باشد در چنین شرایطی بحران به شکل عمومی و فراگیر در فضای عمومی نشر پیدا کرده و مهار آن نیز دشوارتر می‌گردد. لذا در طی مراحل تبدیل پدیده‌ی اجتماعی به بحران امنیتی، هرچه سریع‌تر و در مراحل ابتدایی تر بحران مدیریت شود امکان ادامه حیات سیستم نیز مهیاتر خواهد بود. اما هرچه مراحل از پس هم بگذرد، پدیده اجتماعی به سمت بحران بیشتر متمایل شده

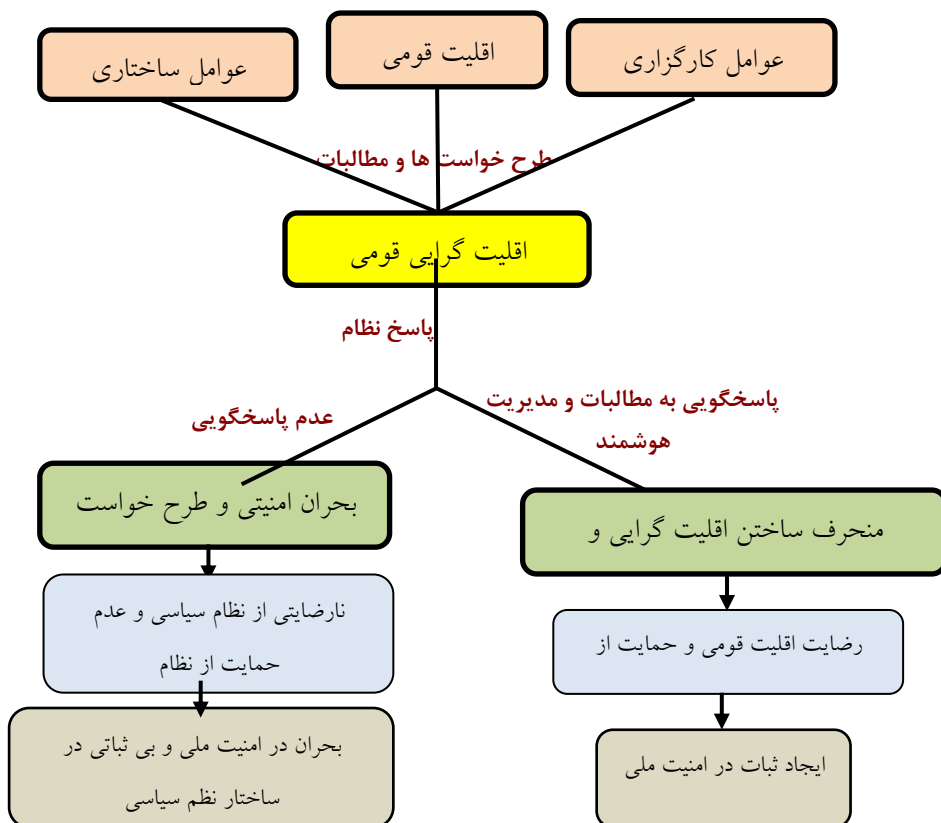
و کنترل و مدیریت آن نیز دشوارتر می‌گردد و می‌تواند عامل اضمحلال، جدایی و خودمختاری گردد. اولین مرحله در شکل‌گیری پدیده‌های امنیتی، شکل‌گیری آن‌ها در فضای اجتماعی است... اگر مسئولین سیاسی و مدیریتی کشور از عقلانیت دقیقی برخوردار باشند، می‌توانند نشانگان شکل‌گیری این پدیده را در فضای اجتماعی فهم کرده و به مدیریت آن بپردازند و جلوی تکوین و ساخت یابی آن را بگیرند... اما اگر متولیان امر نتوانند تحولات و دگرگونی‌هایی که در فضای عمومی جامعه در حال وقوع است را درک کرده و مدیریت نمایند، پدیده‌های اجتماعی که از دل مسئله‌های اجتماعی متراکم شده در جامعه شکل گرفته‌اند، در جامعه رخ عیان می‌کنند و وارد شبکه روابط قدرت شده و توجه مسئولین و افکار عمومی جامعه را به خود جلب خواهند کرد که در این صورت پدیده اجتماعی وارد فضای سیاسی شده است. در این مرحله هر چند پدیده هنوز قابلیت مدیریت شدن در چارچوب‌های قانونی و عادی را داراست، ولی ریسک مدیریت آن نیز بالاتر رفته است. اما در صورت عدم فهم درست مسئله و یا عدم مدیریت صحیح آن، پدیده مذکور می‌تواند وارد فضای امنیتی شده و از در برخورد با منافع ملی و حیاتی کشور درآید و خطراتی را برای حیات اجتماعی در پی داشته باشد. ورود پدیده به فضای امنیتی که سومین مرحله از امنیتی شدن آن می‌باشد، با ریسک مدیریتی بالا و هزینه‌های بالایی نیز همراه خواهد بود. مدت زمانی که طول می‌کشد تا یک پدیده از فضای اجتماعی... وارد فضای امنیتی شود، در واقع فرصتی است که در اختیار سیاست‌مداران و حاکمان جامعه قرار دارد تا ضمن شناخت دقیق مسئله و مدیریت آن با سازوکارهای قانونی، جلوی ورود آن به فضای امنیتی را بگیرند.

**نکته دوم:** اصولاً وجود تکثر قومی و مذهبی باعث امنیتی شدن فضای سیاسی کشور نخواهد بود. اما می‌تواند تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی یک کشور باشد. امنیت ملی در حوزه‌های مختلف قابل ارزیابی است. که بر همین اساس می‌توان آن را در دو حوزه داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داد. که می‌تواند این تهدیدات داخلی و خارجی نیز به نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تقسیم شود. در حوزه‌ی خارجی تهدیدات بیگانگان است که طیف متنوعی از اقدامات را شامل می‌شود. از حمله‌ی نظامی تا تهدید و عملیات روانی. در حوزه داخلی نیز بخش عمده تهدیدات مربوط به نابسامانی‌های داخلی، شورش، اغتشاش و منازعات قومی و مذهبی می‌باشد که در این بین دولت‌های خارجی نیز ممکن است به تحریک این گسل‌ها و شکاف‌ها کمک کنند. لذا یکی از مهمترین اقدامات هیات حاکمه در کشورهای متکثر در حوزه قومی و مذهبی مدیریت صحیح این شکاف‌ها و منازعات اجتماعی است تا به تهدیدات سیاسی و امنیتی تبدیل نشده و اقلیت را به اقلیت‌گرایی تغییر ندهد.



عوامل مختلفی در فعال شدن این شکاف قومی، مذهبی و بروز این منازعات دخیل هستند. که می‌توانیم آن‌ها را به زمینه‌های ساختاری و کارگزاری تقسیم کنیم که این عوامل دارای ابعاد داخلی و خارجی هستند. در صورتی که این عوامل ساختاری و کارگزاری - که در تأثیر و تأثر کامل هستند و مادام یکدیگر را بازتولید می‌کنند، منازعات قومی را تقویت کرده و مسیر اقلیت را به سوی اقلیت‌گرایی قومی و مذهبی هموار گردانند، تهدید امنیتی بسیار جدی‌ای خواهد بود که مدیریت آن نیز با دشواری‌های بسیار همراه است. اما اگر سیستم هوشمندانه عمل کند و پیش از بحرانی شدن منازعه و قبل از آنکه به اقلیت‌گرایی افراطی تبدیل شود مسیر آن را منحرف گرداند قادر خواهد بود تا بحران بعدی به حیات خود ادامه داده و امنیت ملی را برقرار ساخته و تقویت گرداند. در این میان عوامل نرم افزاری و سخت افزاری بیگانگان نیز نقش قابل توجهی دارند و اینکه نظام سیاسی تا چه میزان بتواند تهدیدهای امنیتی را به فرصت تبدیل کند. در این زمینه لازم است سیستم، نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده تا قادر گردد تهدیدهای امنیتی‌ای را که از آن سوی مرزها بر منازعات داخلی بار می‌گردند شناسایی و مدیریت نماید.

**نکته سوم:** بر اساس مدل زیر اقلیت قومی متناسب با عوامل ساختاری و کارگزاری که در سطح بومی و ملی و فراملی وجود دارد، یک سری خواست‌ها، تقاضاها و مطالباتی را مطرح می‌کند. در عین حال عوامل گفته شده شرایط را برای اقلیت‌گرایی در بین گروه تقویت می‌کنند. در صورتی که برون‌داده‌های نظام سیاسی - خط مشی‌ها و سیاست‌ها به گونه‌ای ارائه شود که خواست‌های قانونی و قابل تحقق گروه اقلیت را محقق گرداند، اقلیت‌گرایی مدیریت شده و به دنبال راه‌های جایگزین از جمله استقلال، تجزیه و خودمختاری سوق پیدا نمی‌کند. اقلیت قومی خود به حامی نظام سیاسی تبدیل شده و در ثبات آن و امنیت ملی نقش آفرینی خواهد کرد. اما اگر پاسخ نظام سیاسی متناسب با خواست و نیاز گروه اقلیت نباشد و یا مطالبات با عدم پاسخگویی همراه باشد در این شرایط اقلیت‌گرایی متمایل به سیاسی کردن و امنیتی کردن پدیده اجتماعی شده و بحران امنیتی ایجاد می‌شود. برآیند این بحران امنیتی خواست‌های جدایی طلبانه، استقلال خواهانه و عدم حمایت از نظام سیاسی و حتی اضمحلال نظام سیاسی نیز خواهد بود، چرا که شرایط را برای سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز فراهم خواهد کرد که منازعات قومی و بحران‌های امنیتی مشابهی برای امنیت ملی فراهم کنند که در نتیجه باعث بی‌ثباتی نظام سیاسی و کاهش امنیت ملی خواهد بود. بر همین اساس نظام سیاسی طی ایجاد اقلیت‌گرایی تا بحران امنیتی این فرصت را خواهد داشت که آن را مدیریت کرده و تهدید امنیتی را کنترل کرده و حتی آن را تبدیل به فرصت کند. اما اگر از این اقدام عاجز بماند امکان گسست سیاسی و تضعیف هویت واحد و حتی اضمحلال دولت نیز وجود خواهد داشت.



## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

### الف- نتیجه‌گیری:

امنیت و توسعه به عنوان دو اصل جدانشدنی هستند. امکان توسعه بدون امنیت فراهم نیست و امنیت صرف نیز نمی‌تواند باعث خوشبختی و سعادت جوامع انسانی گردد. به بیان کوتاه اگر امنیت نباشد توسعه نیست و اگر توسعه نباشد امنیت پایدار وجود نخواهد داشت.

منطقه جنوب شرق ایران به دلایل مختلفی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هم‌مرز بودن با افغانستان و پاکستان و بحران‌ها و چالش‌های امنیتی آنسوی مرز، تصنعی بودن مرز و قرار گرفتن اقوام در حد فاصل دو طرف مرز، وجود اکثریت اهل تسنن در برابر اقلیت شیعه در این منطقه باعث شده است استان سیستان و بلوچستان موقعیتی استراتژیک و در عین حال امنیتی برای جمهوری اسلامی داشته باشد. جمهوری اسلامی با توجه به ایدئولوژیک بودن نظام سیاسی و تعیین مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی

با مقاومت هایی در این منطقه مواجه گردید. وجود نابرابری در تقسیم فرصت ها و منابع، احساس محرومیت و تبعیض در میان اقوام و اقلیت ها باعث شد تا خیلی سریع چالش های امنیت در این استان به اقلیت گرایی قومی و مذهبی تبدیل شده و چالش های جدی برای امنیت ملی ایران به وجود آورد. از طرفی مداخله بیگانگان و تحریک اقوام در برابر حکومت مرکزی که از سال ها پیش توسط برخی دول خارجی متخاصم با ایران پی گیری شده است نیز در این میان نقش غیرقابل انکاری داشته است. فاصله استان با مرکز نظام سیاسی، پایین بودن شاخص های توسعه انسانی در استان، چالش های بهداشتی، رفاهی و حوزه سلامت و مهمترین آن ها بحران اقتصادی استان بر ناامنی های منطقه ای و ملی افزوده است. همچنین رشد بالای جمعیت و رشد قابل ملاحظه مهاجرت افغانه به این استان و تغییرات جمعیتی و جغرافیایی به لحاظ آب و هوا و اقلیم خشک منطقه چالش ها و کشمکش های قومی- مذهبی در استان را بیش از گذشته کرده است.

با وجود چنین مشکلات و بحران هایی شکاف های قومی و مذهبی در این استان به وجود آمده است که عوامل مختلفی از جمله جریان های افراطی شیعه و سنی و همچنین تبلیغات فرهنگی و اجتماعی میان اقلیت های قومی و مذهبی باعث تشدید و تعمیق این شکاف های قومی گردیده و آن ها را به سوی امنیتی و سیاسی شدن به پیش برده است. در این میان با عمیق تر شدن این اختلافات در حوزه های قومی و مذهبی، هم رهبران معارض با وضع موجود و هم ایدئولوژی های معارض با شرایط موجود به وجود آمده است که این مسئله می تواند شکاف قومی را تبدیل به منازعه ای بی پایان میان اقلیت قومی با حکومت مرکزی گرداند و یا در اشکال پیچیده تر جنگ داخلی، تجزیه طلبی و ظهور پدیده هایی همچون داعشیزم را به وجود آورد.

در این میان اگر مدیریت شکافهای قومی، مذهبی منطبق با بحران های آنجا نباشد نمی تواند پاسخ مناسبی ارائه داده و در کنار سایر عوامل از جمله عدم توسعه یافتگی و پایین بودن شاخص های توسعه، نارضایی از نحوه تقسیم منابع و امکانات و فراهم نشدن فرصت های برابر دست به دست هم داده احساس محرومیت نسبی و تبعیض را - چه واقعی و چه غیر واقعی - افزون کرده و منطقه را رو به سوی اقلیت گرایی قومی و مذهبی هدایت می کند. در چنین شرایطی بایستی آماده تغییر شکاف قومی به منازعات قومی در ایران باشیم.

ولذا جمهوری اسلامی با ورود به حوزه سیاسی و امنیتی استان کوشید با بهره گیری از دانش و نیروی بومی، آن منطقه را سامان بخشد. لذا امنیت ابعاد متفاوت تری از نیروی نظامی و انتظامی دارد و در نتیجه بر خلاف گذشته که استان دائما در مسیر امنیتی شدن بحران ها به پیش می رفت، اکنون با استفاده از قدرت

نرم در راستای حل چالش امنیت بهره‌گیری شده است. بومی سازی امنیت ابتکاری بود که بعد از انقلاب و پس از سال‌ها مجدداً ارائه گردید و در نتیجه از میان اقلیت‌های قومی و مذهبی افرادی برای حفظ و تامین امنیت انتخاب شدند. گزینش این افراد نیز توسط ریش سفیدان و سران طوایف انجام شد. با این کار ضمن آنکه مسئولیت امنیت بر عهده خود اهالی آنجا قرار گرفت، آنان در مسائل مهم مورد مشورت و اعتماد نظام سیاسی قرار گرفتند و در میان آن‌ها نیز اعتماد سازی به وجود آمد. این اعتماد متقابل باعث ایجاد اتحاد و همگرایی بین اقلیت‌ها و حکومت مرکزی گردید. از طرفی استفاده از نیروی کار بومی باعث شد تا بحران اشتغال و بیکاری نیز تا حد امکان مرتفع گردد. به نظر می‌رسد وارد کردن مردم در مجادلات امنیتی و مشارکت دادن آن‌ها باعث ایجاد امنیت پایدار در منطقه گردید. ضمن آنکه باعث شد گروه‌های تکفیری نیز به شکل نهادینه‌ای از منطقه رخت بر بسته و دیگر امکان ادامه حیات و بقا در استان برای آن‌ها مهیا نگردد.

ب- پیشنهادها:

۱- اجرای سیاست‌های عدالت‌جویانه در راستای رفع نابرابری، محرومیت‌زدایی از استان و توسعه اقتصادی منطقه با توجه به ظرفیت‌های موجود از جمله توسعه بندر چابهار، کشاندن بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری.

۲- انسجام بخشی و نهادینه کردن سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و مقابله با اعمال سلیقه.

۳- ساماندهی و جهت‌بخشی به خواست‌ها و مطالبات برحق مردم منطقه در راستای همگرایی و ایجاد امنیت پایدار ملی و منطقه‌ای.

۴- شناسایی و معرفی چهره‌های ملی، مفاخر فرهنگی و علمی ایرانی و ایرانی-اسلامی فارغ از مذهب و قومیت آن‌ها بر جسته، در راستای تقویت وحدت ملی و مقابله با گسست‌ها و انحرافات اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی.

۵- حمایت و تقدیر از اندیشمندان، اهل قلم، نخبگان و اهالی هنر متدین، ایران‌گرا و معتدل در سیستان و بلوچستان.

۶- فراهم کردن زمینه گفتگو میان مذاهب در راستای شناخت متقابل و تعمیق اشتراکات عقیدتی و ارزشی در حوزه دین مشترک.

۷- نظارت بر مدارس مذهبی اهل سنت، چه از حیث محتوای درسی و چه از حیث اساتید و مربیان و مدرسانی که به تدریس در این مدارس مشغول می‌باشند.

- ۸- افزایش ارتباطات علمی و آموزشی مدارس دینی اهل سنت با حوزه‌های علمیه تشیع در سطح استان و حتی با حوزه‌های علمیه قم و تبادل استاد و منابع آموزشی برای نزدیکی هر چه بیشتر آراء فقهی دو طرف و ایجاد نزدیکی بین آن‌ها.
- ۹- پرهیز از دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی با اقدامات نسنجیده و متعصبانه- از مبلغین مذهبی گرفته تا صدا و سیما، معلمین، اساتید دانشگاه و ...
- ۱۰- تسهیل روابط اقتصادی این منطقه با کشورهای همجوار همسو با سیاست‌های کلان کشور با راه اندازی و فعال نگه داشتن بازارچه‌های مرزی و سایر مبادلات اقتصادی.
- ۱۱- جلب توجه بیشتر سیاستگذاران نظام به پیشرفت اقتصادی این منطقه.
- ۱۲- تاکید بر سیاست واگذاری اختیارات محلی و منطقه‌ای به دستگاه‌های محلی در این منطقه در چارچوب قانون اساسی.
- ۱۳- ایجاد زمینه‌ی اختلاط اقوام به ویژه از طریق ازدواج بین اقوام و افزایش تعاملات بین قومی از طریق راه اندازی جشنواره‌ها، اردوهای سراسری و ...
- ۱۴- به رسمیت شناختن حقوق شهروندی در راستای پاسخ به مطالبات اقوام و اقلیت‌های قومی و مذهبی.
- ۱۵- نظارت بر رفتارهای حساسیت‌زا، مقابله متناسب و قانونی با تلاش‌های قوم‌گرایانه، اجرای مصوبات شورای تأمین در سطح مدارس و ادارات.
- ۱۶- طرد معلمان با گرایش قوم‌گرایی و مذهب‌گرایی افراطی از آموزش و پرورش در مناطق قومی.

**فهرست منابع:**

کتاب‌ها:

- ۱- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه، دانشگاه تهران، جلد ۱۴.
- ۲- صالحی امیری، سید رضا، (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص.
- ۳- احمدی، حمید، (۱۳۷۸)، قومیت و قوم گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران، نشر نی.
- ۴- احمدی، حمید، (۱۳۸۳)، ایران، هویت، ملیت، قومیت، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۵- مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۱)، تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، انتشارات تمدن ایرانی.
- ۶- چلبی، مسعود، (۱۳۸۴)، جامعه شناسی نظم، تهران، نی.
- ۷- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۳، اقلیت گرایی دینی، طراحی یک چهارچوب تحلیلی، تهران، انتشارات تمدن
- ۸- آقابخشی، علی، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ۹- زند مقدم، محمود، (۱۳۸۶)، حکایت بلوچ، جلد چهارم، تهران: انتشارات انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- ۱۰- افشار(سیستانی)، ایرج، (۱۳۷۱)، بلوچستان و تمدن دیرینه آن، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۱- کریمی پور، بداله، (۱۳۸۸)، ژئوپلتیک ناحیه گرایی و تقسیمات کشوری، تهران، نشر انتخاب.
- ۱۲- آقابخشی، علی؛ و افشاری‌راد، مینو، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، چاپ اول.
- ۱۳- رحیم صفوی، سید یحیی، (۱۳۸۰)، جغرافیای نظامی ایران جلد ۲، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، مقالات:
- ۱۴- صالحی امیری، سیدرضا، (۱۳۸۵)، مقاله «مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه های سرمایه اجتماعی» نشریه راهبرد.
- ۱۵- خسروی، علیرضا، (۱۳۹۰)، نقش دانشگاه در همبستگی ملی از منظر امام خمینی(ره)، تهران، مؤسسه مطالعات ملی، فصلنامه مطالعات ملی، ویژه نامه، شماره ۱.
- ۱۶- موسوی، میرطیب، (۱۳۸۹)؛ اندیشه سرمایه اجتماعی: وفاق اجتماعی، توسعه سیاسی و امنیت ملی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره سیزدهم.

- ۱۷- مارش، دیوید، مقاله روش و نظریه در علوم سیاسی، (۱۳۷۵)، مجله مطالعات راهبردی.
- ۱۸- احمدلو، حبیب؛ افروغ، عماد، (۱۳۸۱)، مقاله رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، مجله مطالعات ملی، شماره ۱۳.
- ۱۹- داودی، علی اصغر، (۱۳۸۱)، مقاله انقلاب اسلامی، کشمکش های سیاسی و شکاف های اجتماعی، مجله علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۲۰.
- ۲۰- یوسفی، فرزانه؛ خضری مقدم، نوشیروان، (۱۳۹۵)، مقاله هویت فردی و اجتماعی و عوامل در بهسازی خود، کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی ایران.
- ۲۱- درستی، احمد، (۱۳۷۹)، دیدگاه های مختلف جامعه شناختی درباره مساله ساختارکارگزار، تهران، مجله علوم سیاسی، شماره ۱۲.
- ۲۲- قاسمی، صفت الله؛ ۱۳۸۶، تاثیر انقلاب اسلامی بر انسجام اقوام ایرانی؛ فصلنامه آفاق امنیت؛ پیش شماره دوم و سوم؛ پائیز و زمستان؛ تهران.
- ۲۳- حسینی و کریم زاده، (۱۳۸۹)، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
- ۲۴- آفاق امنیت، (۱۳۸۶)، جریان شناسی بلوچ های ایرانی در دهه های اخیر، موسسه مطالعات کاربردی، شماره ۲ و ۳.
- رساله و پایان نامه:
- ۲۵- حاجیانی، ابراهیم، ۱۳۸۷، بررسی منابع هویت ایرانی، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲۶- دلاوری، ابوالفضل، (۱۳۸۷)، بررسی ریشه های خشونت و بی ثباتی سیاسی در ایران، پایان نامه دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- وب سایت:
- <http://farhangi84.blogfa.com> - ۲۷
- منابع خارجی:
- ۲۸- Roland Burton, (۲۰۰۵) political ethnology, naser fakouhi, tehran, nayer rey.
- ۲۹- Ted Robert, (۱۹۶۷) why do people rebel, translated by ali morshedi zadeh, Tehran, strategic studies institute.